پاسخ به اشکال محدث نوری و توضیح سهو ایشان در نقل

خب ما پی جویی کردیم که چه کسی گفته. این کتاب که نیست. یک «یرووِن هوالء» دارد که باید ببینیم. حمزه از قرائ سبعه است. در دهها بلکه صدها کتاب شرح حالش آمده است. استادش را گفته‌اند. امام صادق را مکرر به‌عنوان استادش ذکر کرده‌اند. تنها وقتی حمزه را می‌گویند و استادش را می‌گویند و اسم امام را می‌برند، می‌گویند[a1] «و روی اعمش عن یحیی بن وثاب».تیسیر دانی[1] مهمترین کتاب است همین را می گوید. ما یک جا پیدا نکردیم که بگوید امام صادق علیه‌السلام از یحیی بن وثاب روایت کرده‌اند. حالا آن کتابی که ایشان می‌گویند «هوالء» به چه کسی بر می گشته؟! چه‌جور بوده؟! از واضحات تاریخ است و ابو اللیث سمرقندی شخصی نیست که مرجع همه چیز باشد.

ببینید ایشان به‌شدت به حرف اینها حمله می‌کنند به‌خاطر اینکه اینها می‌گویند استاد امام صادق در اقرائ یحیی بن وثاب بوده. و حال اینکه اثری از آن در کتابهایی که مرجع هستند نیست. یک جا پیدا نمی‌شود. «و هو یروی»؛ هو به اعمش بر می‌گردد. ایشان می‌گویند «هوالء یرووِن». در عبارت مرحوم به این صورت است. در کتاب سبط ابو اللیث سمرقندی ما نمی‌دانیم چطور است و باید پیدا کنیم. ببینیم واقعاً آیا او این اشتباه فاحش را کرده؟ حالا مهم این است؛ کنار حرف ابو اللیث مرحوم نوری چه فرمودند؟ فرمودند حرف او را اتقان سیوطی، ابن خلکان و نیشابوری هم می‌گویند. من به همه اینها مراجعه کردم. احدی از اینها نگفته اند که امام صادق علیه‌السلام از یحیی بن وثاب نقل می‌کنند. شما می‌گویید اینها حرف او را تأیید می‌کنند، اما تنها حرف او را می‌آورید؟! چیزی که احدی نگفته بلکه همه تصریح دارند که تنها شیخ حمزه –حتی سائر اساتید حمزه هم نه- که از یحیی نقل می‌کند کیست؟ اعمش است. تمام! در کتاب ها هست، مراجعه کنید. خب ما می‌توانیم این مسامحه که به این صورت علیه مخاطبین روی آن سان می‌دهند، بگوییم حالا می‌شود؟! در اینکه «می‌شود» حرفی نیست. اما با اینکه کسی نگفته، شما بیایید امام صادق علیه‌السلام را شاگرد یحیی بن وثاب بکنید و بعد حمله بکنید! خب باید کسی گفته باشد و بعد به او حمله کنند.

به همین صورت وقتی مرحوم شیخ انصاری می‌خواهند تواتر را رد کنند؛ خب شیخ بزرگ است؛ عرض کردم اینها پیش می‌آید. اما حالا می‌خواهند که تواتر را رد کنند، می‌گویند تواتر کجا بود؟! می‌خواهند بکوبند. در ج 1 کتاب صلاة مرحوم شیخ انصاری، چاپ کنگره، صفحه ۳۵۷:

> نعم طعن بعض شراح الشاطبيه على مثل نجم الأئمة والزمخشري والزجاج من أرباب العربية
> الطاعتين في قرائة اقراء بأنهم اعتمدوا في قواعدهم الكلية وفروعهم الجزئية على كلام أهل الجاهلية
> وبنقل الأصمعي ونحوه من يبول على قدمه نظما ونثرا ويحتجون به ويطعنون

> تارة في قرائة نافع
> واخرى في قرائة ابن عامر ومرة في قرائة حمزة وأمثالهم[2]

این طعن مفصل است، حال آن را عرض میکنم. آن چیزی که من میخواهم بگویم صفحه بعدی است.

---

[1] التيسير في القراءات السبع، ص 9:رجال حَمْزَةَ وَرِجَالُ حَمْزَةَ جَمَاعَةٌ مِنْهُمْ ابو مُحَمَّد سليمن بن مِهْرَانُ الْأَعْمَشِ وَمُحَمَّد بن عبد الرَّحْمَنِ بن ابى ليلى القاضى وحمران بن اعين وابو اسحق السبيعى وَمَنْصُورُ بن الْمُعْتَمِرِ ومغيرة بن مقسم وجعفر بن مُحَمَّد الصادق وَغَيرهم واخذ الاعمش عَنْ يحيى بن وثاب وأخذ يحيى عَنْ جَمَاعَةٍ من اصحاب ابْنِ مَسْعُودٍ عَلْقَمَةَ والاسود وَعبيد بن نضيلة الخزاعى وزر بن حُبَيْشٍ وابى عبد الرَّحْمَنِ السلمى وَغَيرهم عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنْ النبى ص.

[2]كتاب الصلاة-ط.ق، ص۱۱۶

[a1]????? ????? ????? ???

بازبینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 16:19:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 16:39:25 توسط ... .